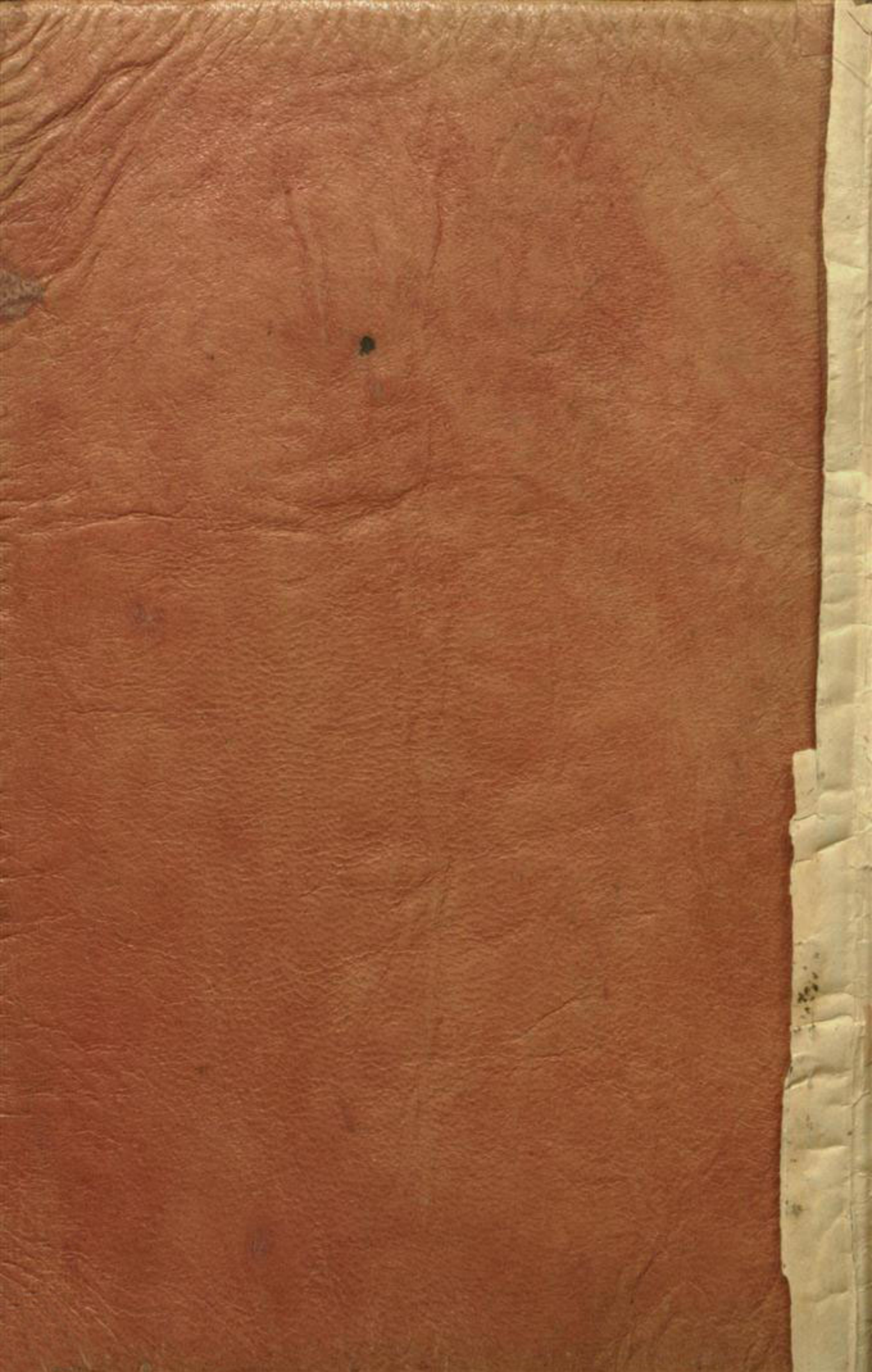
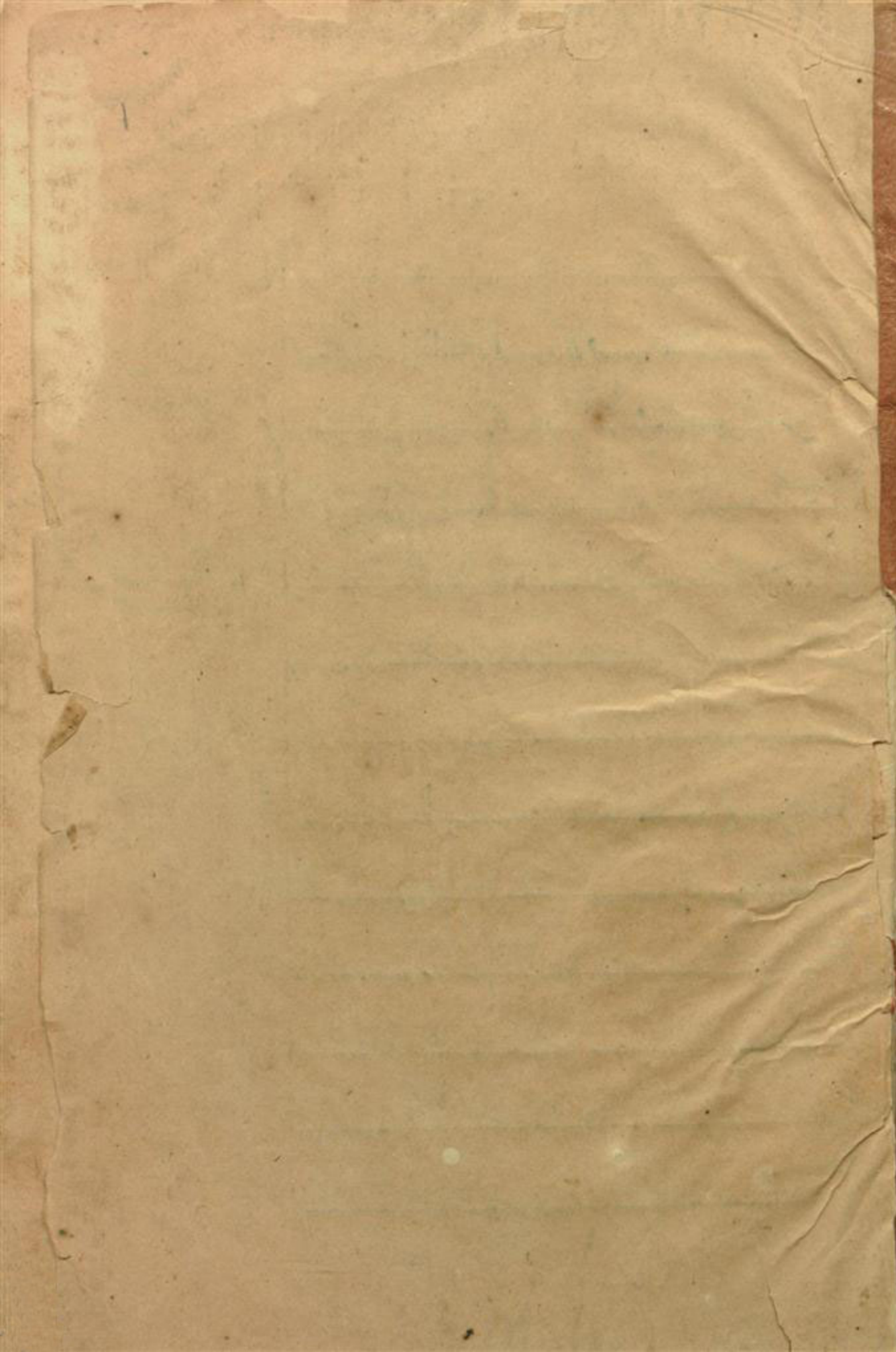






و با چه عهد نامه

الحمد لله الوافی بعهدت و عهد نامه مبارکه که کسان و بلاد و املاک و کسانه
و دین علی بن و ظهور ادب کمال مبرک و بجز خضر من بحیرتین بقضا حركات کماله
بر خضر خجرات ناکمان از جانب سرحد داران طرفین بطهور رسیده که موجب
غذای عظیمه رخ دارد آنجا که مراتضای پادشاهانه چنین از غایب گشته محاط
بود و یار دین علی بن بنجدیه عهدت را اہمیت صادقانه ذکر نشمار
در دفع و دفع غایبہ اتفاقیہ بطهور رسانده عهد نامه مبارکه جدید مبارک و اصول که در طی
فصول مرقومہ مرقوم است مرقوم و مختوم آید بجزر و کلامی و دین علی بن و در راه سواد
در سال هزار و دویست و چهل و چہری با بعضی اہل یون شرف شہر از کثرت
برادریای و دین علی بن که ازین پس نیز در تحصیل مہجرات مزید دوستی و دوست
اہتمامات صادقانه مہذول دارند و اسباب استحکام و استقرار معاہدہ مبارکہ را
بر ادوات و وسائیل نمایند و اگر در سعادت کمال امور دوستی قصوری
پسند با بعضی خواهشهای منصفانہ تدارک آنرا لازم شمارند و دقیقه از دقایق

دوستی را مهمل و منزله کند از بد
بسم الله الرحمن الرحيم
بواد محمد نامده در نین اوان در دس که در زکمان جابر کرم و د بنو سوط
و بعد در است عدیه البقیه در سنه مکه نهرست عینه تخم شهر شعبان سرف اقسام در
علیه حضرت پادشاه عظم والا جابه مهر اطور اکرم شوکت یگانه مالک بقدر
کل محاکم رویه و علیه حضرت کویان لغت خورشید رایت خرد و ما را پادشاه
عظم با فخر محاکم ایران چون هر دو علی الهویه اراده و منای صدا و فانه دارند
که بنوایت مکاره جسکی که بالکلیه منافی راسی است نهانی که از بد و نهایی
قدیم حسن مجاورت و مودت پاپس این دو دولت بود و است که متضمن
و دام باشد و بواسطه اتفاق آینه را و کرسند در بنای محکم بهر از و نه اند
برای تقدیم اینجا خجسته آثار علیه حضرت مهر اطور کل محاکم رویه حساب بموایج
جبرال اوتانده خود جبرال انفاذ ری سردار عا که جدا گانه فقار و حاجی خان
به بر خفایس جریه بخر حضرت صاحب جلال است که سنده زبوی تقدس مرقع با
و نامی مرتبه اول مرقع با لباس دولادیر مقدس مرتبه اول و کبود کی مقدس

مرتبۀ دوم و صاحب و شمشیر انجاری کی حلا مرسوم برای شجاعت و دیگری مرتبۀ بالا
و صاحب حمایات دول خارجۀ مرتبۀ اولین عقاب سرخ پیکر و سیاه لال است
عثمانی و نشانهای دیگر و جناب لکسیر اراد پرگوف و یوستی مطا علی و طلیک فامر کر
در باره پراطوری و صاحب حمایات مقدسۀ مرتبۀ ثانی و دایره مرتبۀ ثانی
سایندامی له و ابوغامی رودسیمی را و علیحضرت پادشاه ممالک ایران و نائب مستطاب و ان
شاهزاده ماندر جمیل البعنوان نائب السلطنه عباس میرزا اراد کهای مختار و تعیین کردند
و این بعد از آنکه در ترکچای حای مجتمع شدند و خستیار نامهای خود را میاد که کرده بودند
قاعده و شایسته دیدند و فضول آیه را تعیین و قرار داد کردند **فصل اول** بعد از این من
علیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک ایران و بعد از
و خلاف ممالک رعایای ایشان مصالحه و دوست و دفاق کامل الی ان به
خواهد بود **فصل دوم** چون نزاع و جدالی که فیما بین عهد کنندگان و تسبیح ادا کنندگان
واقع شد و امروز عبادت منقطع گردید و هر دو طرفه بوجوب عهد نامه کسان
و نه ایشان لازم بود و موقوف و متروک میدانستند **فصل سوم** علیحضرت امپراطور

کل ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک ایران چنین بین دیده اند که بجای عهدنامه
مرز نو بر کلستان عهدنامه دیگر باین سرودها و عهد قرار دهند که باین دودولت روس
ایران بشیر از پیشتر موجب سبقت از دشنام رود ابطه و صلح و دوستی کرد و **فصل پنجم**
علیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود از جانب و عهد باین نشان
بدولت روسیه داده که از مسکنه عامی الکا انجوان و اردان را خواه این طرف رود
از پس نشانه یا نظرف نظر باین تفویض علیحضرت پادشاه ممالک ایران بعهده
میکنند که بعد از مضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه و فرد و متور بعهد را که
مستقل تا دباره این دودولت مد کوره بشیر تصرف امرای روسیه به **فصل ششم**
دوین علیستین معاهدتین عهد و پیمان میکنند که برای سرحد فیما بین و د مملکت
پرتو جب خط سرحد وضع نمایند از نقطه سرحد ممالک عثمانی که در خط منقسم بقعه
کونی غری کو حاکم اقرب است بسته کرده بخط مابقیه آن کو کشیده
و از آنجا تا بر حومه رودخانه مشهور بقرا سوی باین که از سر شیب جنوب غری کو حاکم
جاریت فرود آمده متابعیت مجرای این رودخانه مابقیه آن رودخانه

ارس که مقابل سر درمسته میوه حوالی خط پانجا رسید بمباعت مجری ارس ناقعه
 عباس نامی اید و در دو تعمیرات چشمه آن که در کنار است ارس فست
 نصف قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه درس و نیم رودی است رسم میوه
 و این نصف قطر در همه اطراف است ادبیا به همه ارضی و عرصه که در این نصف
 قطر محاط محمد و میوه و مال افراد تعلق بر دسه خواهد داشت و از مارنج امر در دره
 و در ماه بخت و درستی کامل معین منقش خواهد شد و بعد از آن از جای که طرف
 شرق این نصف قطر متصل به ارس میوه خط سرعه شروع بمباعت مجری ارس
 میکند تا بمعبور میرموک و از اینجا حاک ایران بطول مجری ارس است ادبیا به
 تا بقاصده و مسافت فرسخ که عبارت است از سبب و یک درس رود
 بعد از وصول باین نقطه خط سرعه تا مقام است از شرای مغال میکند و
 تا مجرای رودخانه بهمار و بخلی که در سه فرسخی و فست که عبارت است از سبب
 و یک درس تا بن نزار غمغانی و در دو کوچک موسوم بادینه بازار و
 ساری قمش صعود کرده بطول کنار است رودخانه آونیه بازار در شرقی

در اینجا این خط بجا رسیده و
 تا بقاصد رودی و از آونیه بازار
 و ساری قمش

بمسئع رودخانه و از آنجا با روح بلند نیهای جگر آمد و پیاده بنوعیکه جمله آنها یکجای
بهر خضر نمود و متعلق بر دوشه خواهد بود و همه آنها یکسر شیب و مجرای آنها یکسان
ایران است متعلق ایران خواهد داشت چون سرحد دو مملکت اینجا توسطه قتل حبال
تعیین میاید لهذا قرار داد شد شهابیکه ازین کوهها سمت بحر حضرت بر دوشه و
طرف دیگر آنها بایران متعلق شد از قله بلند بخیای جگر خط سرحد تا بقله کمر قوی میاید
کوههایی میروند که حاشی را از محال ارضی مفصل میکند چون قتل حبال از جنین
مجری میاید و فرق میدهد لهذا در اینجا نیز خط سرحد را هم از قیم تعیین میکنند
که در فوق در باب سادش واقع ما بین منبسط آدینه بار از قتل حکیر گفته شد بعد
خط سرحد از قله کمر قوی به بندهای کوههایی که محال نهند را از محال ارضی فرق
میدهند متابعت میکنند تا بر حد محال بکنج انموله به بر طبق آماں ضابطه که در باب
مجری میاید پیش رود و نیز بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قتل حبال به کوره و
در بغیر از حصه رودسیه خواهد بود از نهند از سرحد محال بکنج خط سرحد ما بین دو رود
بقتل حبال کلو بونی و بلکه کوههای عظیم که از دکنج میکنند متابعت میکنند تا منبسط

شمالی رودخانه موسوم باستار ارسوسه بکل خطه همان ضابطه در باب مجرای میا
دار آنجا خط سرحد متعین مجرای این رودخانه خواهد گرفت تا بملقا و دهنه آن
بحر خزر و خط سرحد را بعد از آن منصرفات دسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد
بکینل خواهد نمود **فصل ششم** علیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی
خاصه که نسبت به علیحضرت امیر اطوار کل ممالک دسیه دارد و این فصل از خود
دار عوض اضاف و ولیمه ان سر سلطنت ایران تمامی بکار دارد و این دجری را
که در سابقه خط حد دسیه در فصل مذکور فوق و قیل و قبل و در کوه قفقاز و دریای
خزر است که اجمیع قبایل را چه حمیه نشین چه خانه دار که از مالی ولایت مذکور
هستند و اصحاب و عیال الی الای مخصوص و متعلق به دولت روسیه **فصل ششم**
علیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی مصارف کثیره که دولت روسیه
برای جنگ واقع بین آل و بتین اتفاق افتاده و همچنین بتلافی ضررهای خرابیها
بهمان جهت بر عیال و دولت روسیه رسیده و تعهد میکنند که بواسطه دادن
مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه بین آل و بتین به هر دو تومان پنج

فرار گرفت که عبارت از بست میون مناط سفید روسی و چکونکی موعده در میان
وصول این فوج در فرار داد علیحدگی که همان قدر فوج و همسایر خواهد داشت که کویا لفظاً
بمعط درین عهد نامه مصاحبه آحاد مستخرج است معین خواهد شد **مفترسم** چون حضرت
پادشاه ممالک ایران شایسته ولایت دانسته همانوں فرزند خود شاهزاده عباس
میرزا را الوعده و دارش تحت فروزی بخت خود معین نموده است علیحضرت
امیر اطوار کل ممالک رتبه برای اینکه از منتهای دوستی و مناسباتی صادقانه خود
که در مزید احکام آن الوعده می دارد با حضرت پادشاه ممالک ایران بر مانی و صبح
دشاهی لایح دارد و نعمه میکند که ازین روز بعد شخص وجود نواب مستطاب
شاهزاده عباس میرزا را الوعده و دارش برگزیده و تاج و تخت ایران حاکم
در تاراج جلوس بخت شاهی پادشاه مالک حقایق این مملکت دانند **مفترسم** غایب تجارت
روس مانند سابق احقاق خواهند داشت که بازادی برداری ضرر و طول هوا
آن سیر کرد بکین رای آن فرود آمد در حالت کشت کشتی در ایران افت
و داد خواهند یافت و همچنین کشتنهای تجارت ایران را احقاق خواهد بود که بفرار

سابق در بحر خزر سیر کرده بواسطه رسیده شده نماید و در آن بوجوه در حالت کشتی
بهمان نسبت ستیغانات نماید و خواهند یافت در باب سفین جریه که علمهای عکریه
روسیه دارند چون از قدیم با بلغراد و حقایق داشته که در بحر خزر سیر نمایند
امین حق مخصوص کما فی السابق امروز با اطمینان بشان داد میوه و سبزی که غیر از دولت
روسیه هیچ دولت بزرگ نمیداند در بحر خزر کشتی جنگی داشته **صفت** چون اکنون
خاطر علیحضرت امیراطور کل ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک ایران
این است که پس کل موجود مودعی که این عادت و رسمیت پیشان سفر کرده
نمایند بعد از قرارداد نمودند که سفر او و کلاد کارکنان ایرانی که ارجانین بدین عین
تعیین نموده و او برای انجام خطتهای نظامی با برای اقامت دائمی بفرار خزر رسیده
موافقیشان دولتین علمتین و محاطه مودعی که باعث اتحاد ایشان گشته
بعادت لایست مورد عذر و احترام شوند و در مقام دستور علمی مخصوص بشرف
قرارداد خواهند کرد که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد **صفت** چون علیحضرت امیراطور
کل ممالک روسیه و علیحضرت پادشاه ممالک ایران به قرارداد و در این باب

تجارت با این دو دولت مانند یکی از تخمیں خوانید ملاحظه کردید که بواسطه آن بجهت
مصالحه حاصل شود لهذا اقرار داد نمودند که تمامی اوضاع و احوال متعلقه بحاکمیت
تجارت و امنیت تبعه دو دولت را بنوعی که مستحسن مرابطه کامل باشد معین و منظم
و در معاهده جداگانه که با این عهد نامه ملحق با این کلای محنت بر جانپس مقرر دارند
حریم ششم اومرعی و ملحوظ میبود مضبوط و محفوظ دارند علیحضرت الباقی ممالک ایران را
دولت روس کفایتی تا این حد اختیار امرعی میدارد که در هر حاله مستلج تجارت
اقتضا کند کونسوها و حامیان تجارت تعیین نماید و تعهد میکند که این کونسوها و حامیان
که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت فراخور رتبه ایشان مسئول حمایت
و احترامات و امتیازات سازند علیحضرت امپراطور کهر ممالک روسیه حاکم
خود و عده میکند که درباره کونسوها و حامیان تجارت علیحضرت پادشاه ممالک
ایران چنین وجه مساوی دارد و در حقیقت که از جانب دولت ایران
سنت پکی از کونسوها و حامیان تجارت روسیه کفایتی محققه شد و کلیل یا
که از دولت روس که در باره حضرت پادشاه ممالک ایران متوقف خواهند

بود این خامیان که کوننها بلا دهنه در تحت حکم ادعای او را ارجل خود پندار دهنه هر که
 لایق اند اداره امر منور بر ابرسل عاریه رجوع خواهد **نفسه زده** همه امور و ادعای شعیبه
 طرفین که بلب حکمت تاخیر نموده بعد از اتفاق مصاحبه موافق عدالت عام خود
 رسیده و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر مایه خزان دهنه شش بتجیل و تحویل
 خواهد شد **نفسه زده** وین عینین معا هتین نال شراک در منفعت تبعه جانبین
 قرار داد میکنند که برای آنها که مابین خود سیاق دهد در دو جانب و در احوال
 دارند موعده سه ساله مقرر نماید بازادی در بیع مایه عارضه آنها قدرت داشته
 لکن علیحضرت امیر اطو که محاکمات روستیه از منفعت این قرار داد در همه این
 مقداری که باو متعلق بود اکتفا نمود و سر داری سابق ایروان حسین خان و برادر او
 حسن خان و حاکم نخبه آن کریم خان مستثنی نمیدارد **نفسه زده** همه برای جانب
 دولین خواه در مدت جانب آخر تا قبل از آن همچون تبعه طرفین که با سیری فته
 باشند از هر مدت که بشود همه بغایت چهار ماه بازادی مسترد و بعد از آنکه خبره و
 مذاکرات لازمه بآنها داده بعباس آباد فرستاد و می شود تا آنکه بدست سایر

جانبی که در اینجا مأمور بگرفتن و تدارک فرستادن ایشان بولایت خود خواهند بود
نسیم شوند و باین عسکریین معاهدتین در باب همه برای جنت و نفع روس ایران
که با سبزی افتاده بعلت دوی مکانهای که در اینجا بوده یا بعلت اوضاع و اسباب
دیگر در مدت معینه میگردند باشند حال قرار داد میکنند و هر دو دولت آید
کان اختیار چندی و نهایت خواهند داشت که آنها را مطابق بکنند و تعهد میکند که هر دو
بهر خود بدولت عرض نماید ایشان را مطابق بکنند از جانبی میگردند **فصل چهارم**
دوستان عسکریین معاهدتین جدای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا
در مدت آن تحت اختیار جانبی که شده باشند مطابق بکنند و کس را ای منع یا
مضرت جانبی که در مکانات و عداوت حقیقه بعضی از این فراریان با هم و با بنیان یا
بناغ قدیم ایشان حاصل میواند شد دولت ایران تعهد میکند که حضور و توقف
اشخاصی را که احوال با بعد از این با ستمه با شخص خواهند داشت در مصرفات خود که ما
ارس و خطرو دخانه موسوم بچهرق و در پاچه اورومی و دودخانه نورو سقو و ذل
اورن تا انتهای آن بدریای خزر و قفقاز حصصت به هر علیحضرت امیراطور

دارباسب صاحب آن عفو کامل و شایسته رحمت میفرماید و هیچکس از ایشان در
استثنای مراتب و طبقات مجرم غرضها و عملها و فشارهای ایشان که در مدت
یا در اوقات تصرف چند دقیقه قیود و دستبندی ایشان نباشد. باید مراقب
شود و آزار نرساند و سر از امر و در یک سال مهلت ایشان در محبت میثود و باز نماند عیال خود
از مملکت این مملکت و روس میمال نمایند و اموال و اشیاء خود را اقلین بکشد
بدون سلبه دولت و حکام ولایت که مخالفت نماید از اموال و اشیاء منقوله
یا مبیعه ایشان حق و مردی ضد نماید و در باب اطلاق آن بجا که موعده مشخص میثود
در مدت بیع یا حرب خویش عفو بماند که از بی در باب آنها نمایند و از این عفو
و بخشش سستی نموده که در آینده کمال بسبب بعضی بعضی بمانند و گناهانها مندرج است
و بواسطه شده مو عفو است بگردان **فصل ششم** بعد از مضار این عهد نامه مصاحبه
2. بهور و کلار میثار چنین اهتمام خواهند داشت و همه جاد و ستور و عملها و حکمها را از همه
تا با ما خیر خصوص است از کمال این عهد نامه مصاحبه و در نقطه یک ضمنی مرتب
باشد و در دست خط و کلار میثار چنین سیده و بهر آن مهور و پیش ایشان بماند که

از جانب علیحضرت امیراطور کل ممالک دستیه و علیحضرت پادشاه ممالک
ایران مصدق و بعضی و تصدیق تمامی شده اوله که بدست خط مخصوص شاه فرمود
در مدت چهار ماه باز یادتر اگر ممکن باشد کلای مشارکین بساده خواهد بود بخرادر
رنگهای پای مارج و هم شهر فزود آل شسته مسجیه که عبارتست از پنجم شهر سال ۱۲۳۲
هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه سید بابا بشار و وزیر امور دوله خارجه
مقر بایخان میرزا ابوالحسن خان سید این فخره در عهد نامه از این دولت محمود و آید

مرقوم نشد

بسم الله الرحمن الرحيم **سواد عهد نامه تجاری** **فصل اول** چون دولتین معاهده
تعدادند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از احوال و خصلت تجارت حاصل میشود
بهره مند دارند لهذا باین تفصیل قرار داده اند که رعایا و اتباع روس نیز که متعارف
در دست داشته باشند در پنجم ممالک ایران میتوانند تجارت کنند و در آن ممالکت
مجاز در دولت مذکور میتوانند رفت و بپیشینست اما این امتیاع خود را در
حضر بازارها و سرحد دولتین روس و ایران بمقتل روس میتوانند برده و معاوضه
و بیع

و خرید کرده متاع گیر پروں برد و از هر گونه حقوق و قیازات و در محاکم اعظمیست هر طور
بایست و متاع کامله الطول و او باطله منوید بهریند و خواهند در حاکمیه که از اتباع است
در محاکم ایران و فایده اموال منقوله غیر منقوله و همچنین متعلق رجعت است
بدون تصور با قوام شهر کار استیم منقوله در اختیار تمام بخوبی که شسته دهند معالیه
در صورتیکه اقله شهر کار او بوجه نباشند اختیار ضبط و کفالت بهی اموال بویل
یا کارکنان را بکون شهر روستیه و اگر زنده بدون اینکه هیچ گونه نعمت از جانب
ولایت ظاهر شود **مهر** حج و برداشت نامها و دیگر عهد که ببلر امور جاریست
معمول است این مکتوب میگذرد نزد کونسل روستیه و حاکم ولایت و در جای که کونسل
تهاز و حاکم ولایت منقوله است که همگام با رغبتین برابر قطع و حواله طبق
عهود الحقیقات لازم تولاوند که اگر یک از طرفین منقوله بدون اینکه بخوبی که فوق
تمکات محترم و صدقه و لایق است هر محکمه عهده است و در وقت شش ماه از دیگر
ادعای نام بخیر اقامه شود و لایق دیگر نماید این قسیر ادعای مادامیکه عهده منقوله طبق
بحقیق کسریه منقوله منقوله است همه معالیه منقوله که بصورت مذکور است این است

بادقت عام مرعی و ملحوظ هر که هر گونه مجتهد در انجام آن بطور سر و دست ضرر است
 از طرفین که دو مورد فاحش است مناسبه از طرف دیگر خواسته و در صورتیکه از
 بنجار روس در ایران مخلص شود حق را بطلب استعفه و اموال او عالمه میشود اما
 اگر از وکیل کار که از بایکوندر استغلام نماید مخلص شود مال ممکن منصرف کار
 استرضای اهل ایران بطلب باید در ولایت روسیه که شش است نه برای تحقیق
 کردن بمطلب مساعی جمیده خود منصفانه بخواهند که و این قرار داد دارد درین فضا
 معین شش بجهتین در باره امانت ایران در ولایت روس موافق فوئد علیه تجارت
 میکند مرعی خواسته **مطلب** برای اینکه تجارت متعده جانبین مساعی را از غلبه
 سر و سابقه که گرفته اند محقق و محکم نماید قرار داد که از هر گونه مساعی که بتوسط
 بنجه روس ایران آورده با ازین محکمیت بدین برده شود که یک از استعفه
 محصوله ایران بتوسط آن دولت از دریا بر سر راه خشکی سرحد و تن
 روس و ایران ولایت روس برده شود همچنین از استعفه روس که رعایای ایران
 با اهل آن راه پیرودن میرند کما این در وقت و خیرین و پیرودن

۱۵
هر دو یکدیگر را از حد مکرر گرفته میزد و بعد از آن همچو مکرر دیگر ایشان را با هم
نخواستند و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در مکرر تغییر یابد
قرار داد کند مستعمل می شود و در خیانت نیز مکرر مقرر کرد که حق از حد است
اضافه نماید **فصل چهارم** اگر دولت روس ایران با دولت دیگر در جنگ باشد
مستعمله جانبی ممنوع نخواهد شد از سبکه به متعه خود از خاک و زمین عیسیستین معاین
عبور کرده بمالک دولت مقرر برودند **فصل پنجم** چون موافق عادت که در ایران
موجود است برای مالیکه یکمیکل است که خانه و بنا و مکان مخصوص برای وضع متعه
مجازه پیدا کنند لهذا به متعه روس ایران اذن داد می شود که خانه برای کسی بنا
و مکان برای وضع متعه تجارت هم مجاز باشد و هم ملک تحصیل کنند متعلقان دولت
ایران بان خانه و بنا و مکانها مفاد خدایند باشد یکم در وقت ضرورت
از وکیل کار که از یکو در روسیه تهر خاص میباشند میزد و ایشان صاحب منصب
یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظه حایا به متعه حضور داشته باشد **فصل ششم**
چون یکم کار کرد دولت بهر طوری و صاحب منصبان موردشان و کوننها

و ترجمانها در ایران متعنه که بکار ملبوس آن برآید و کمر آشپا ضرر در معیت برای
پس نمی کنند لهذا متعنه مدون مانع و خراج هر گونه متعنه و آشپا که خاصه مصارف
لایق بعین شته باشد بیاورد و که تکلیف این متعنه است تمامه در باره کبیر یا کار از
دو کلد دولت ایران که معین در بار دولت روس شده مرعی و موقوف خواهد
و یکیکه از اهل ایران را در صحت میجر و کبیر و کولنها و حامیان تجارت روس
درست و ای که نزد لایق باشد تا متعنه روس از حمایت لایق بهره مند خواهد
و یکیکه اگر شخصی از آنها مرتکب بحر می شود که موافق قوانین ملکیت متعنه باشد در صورت
وزیر دولت ایران یا حاکم در جای که آنها باشد برکت و است مجرم را به واسطه
از میجر و کبیر یا کولند در زده هر که ام که به مطالبه میکند تا اجرای حد است
و اگر این مطالبه متنی باشد بر دایمی که حرم و تقصیر مستم را ثابت کند میجر یا کولند یا کبیر
در مال و منافع نخواهد کرد و **مضمون** همه ادعای امور متعارضه فیما بین
متعنه روسیه باشد با بحضار بجا خطه و قطع و قصد کبیر یا کولنها یا علیضرت میجر یا
که رطلق قوانین و عادت دولت روسیه مرجع می شود و همچنین است مناسبات

و ادعای یکدیگر با پس تبعه روس تبعه دولت ایران در لکنیه طرفین آن راجعی
و منازعات ادعای یکدیگر با پس تبعه روس ایران واقع شود بدین حال حکم شرعی با
عرف لایست معروض محول میگردد و ملحوظ داشته شود که در حضور رتبهان و کبار
یا کونلهای چون اسکندریه ادعای یکدیگر موافق قانون طریقه باشد و باره استعمال
هرگاه ادعای نوعی باشد که مقصود تحقیق و ملاحظه باشد به ذل آن یکدیگر و کبار
یا کونلهای روسیه را است بفرمان خوار شود و ملاحظه نمایند و در خیالات استعمال
و محکوم علیه نمایند که در دفتر حاکم اعظم پادشاه در زیر نظر ایشان باشد که
در حضور کفیر رتبهان و کبار یا کونلهای روسیه **فصل ششم** که قیود و مثال آن کما بهمانی
که در میان خود رعایای روسیه واقع شود و تحقیق و قطع و ضرر آن مطلق در اختیار
ایمچی وکیل یا کونلهای روسیه خواهد بود و بر وفق قوایم شرعیه در آن در باب
مست خود داده است اگر چه از تبعه روسیه بدعوی جرم مستلزم سیاست
مستهم یا محصوره او را تعاقب و اذیت نماید کرد و در صورتیکه شرکت او
بجرم ثابت نمیشود و در خیالات نیز با حالتی که از تبعه روسیه بجهت

منتهی بآ حکام و لایست بنبی که میخص حکم حرم بردارند مگر در حضور کماشته اطر
 و کبیر یا کولنها رسیده اگر در مکنی که صد و حرم ار کبیر یا کولنها کسی بآ حکام و لایست
 مجرم را بجا که کول صاحب منصبی از دایره و کالت رسیده در اینجا باشد روانه میکند و
 رتبهها و نامه که در باب است بپوش و نه منتهی بوطه حاکم و منشی آن مکان از روی
 صدقت مرتب و مهرش رسیده و بپای کیفیت بجای حکم حرم خواهد بود و در
 شود و بگوید استنها و نامه ها منتهی بعتبر و مقبول ادعا خواهد بود مگر اینکه منتهی بصدقت
 از اعلانیه ثابت نماید در صورتیکه منتهی بجا که باید مردم کشته فتوای صریح صادر شود
 و مجرم را بکبیر یا کولند رسیده بقیه منتهی که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است
 بجلک رسیده بفرستد **هذه** و دستین علیستین معاهدتین اتمام تمام در باب رعایت
 و اجرای شروط معاهد خوانند و است حکام و لایست و دیوان بکبان و سایر
 رسای طرفین هم از موعظه نشدیده و آیه در ارجح حالت تخلف و تجاوز نخواهد
 بود در حالتی که سر از تخلف حاکم ناپدید محقق شود موجب مغرور لایق خواهد بود
 حاکم با دکلای مختار و حضرت امیر اطوار کلام ماکت رسیده و حضرت امیر ماکت

ایران که در ذیل و مخط نوشته ایم شرطی که درین معاهد مندرج است و ازین مباح فضل و
عهد نامه عهد است اما در دررکمان های حساس یافته است چندان و عبارت
خواهد داشت که گویا لفظ بلفظ در خود عهد نامه مرقوم و صد است عظم و مقرر شدیم
لکن این معاهد جدید که شهابی در نوشته مخط و خط که نه بهر ما رسیده باشد که
تحریر در ذیل دررکمان های تاریخ و هم شهر قورال شده است محلیه عبارت است از
شهر نعبان ^{۱۳۳۰} هجری

سواد عهد نامه در نعبان ^{۱۳۳۰} هجری

چون دکلای محارر روس ایران مجتمع شد بوفت تا اینکه طوق فصد نه عهد نامه
امروزه برای سر لایفات بسته پذیرش میبای و دکلای و کار که از آن عی بود
دولت صانعین مؤنه قاعده و نظر میکنند از این امر رابطه ^{منظور} منتهای
قرار داد کردند که همین دولت ایران برسم دولت از روز و کنفرانسی را در شش
خبردار شد بجا آخرین نفر از مرتبه که بش میبای مناسب اختیار کرده
تا سر حد بهتال او میفرستد و دولت ایران امانت فرمای کر حیات را
از غربت مهاند از خرابی میکنند و روز و در ادرا بر حد تمهید تقسیم نماید و ^{منظور} ^{خف}

اهتمام کرده سفر خود را نوعی حساب خواهد کرد که مقارن در قضا و دارد آنجا شود و از
سعی که مهانداری را محقق نماید مستعد اینی وجود او و همراهات و اگر آتال که
لایق او باشد خواهد بود و بجز او در هر منزل به قضا خواهد کرد و در هر منزل به قضا
آدم معتبر آن و خدا مستقیم است، معارف و آفاق است و اگر ای در هر محله محلی
حاکم خود برای تعارفات محلی بر سر مستقیم بوده تا بمنزله که برای او مهیا شده
همراهی خواهد کرد و اگر بجز در هر محله یک ارشاد کال حاکم آنجا به مکث کند
شاهزاده که حاکم آن شهر است برای خوش آمد و تعارفات محلی در هر محله
بمعارفات او خواهد فرستاد و اگر ای را به ارشاد کند محلی و جمله ای
که جز سفر باشد تکلیف قضا خواهد کرد و یک سند را برای بجز حاضر خواهد نمود و هر جا
که در رانده ای شکر می باشد مسلح شده همراهات عسکر به معموله ملت و خوا
مهانداری تمام خواهد کرد و قبل از رفت دولت ایران را از رود و محلی خواهد
گذاشته تا یکم باشد از کات لازمه جهت درود و سلام او اما که کنند چو به ای
بفرس منزل دار لطفه یا اور و دلی و علی حضرت پادشاه شریف دارند رسید

محمی کی ارسی ص معتبر بم و ل نعمت خود پذیرفته خواهد و در نیمه راه داری سلطه نماید و
بسیار بجای عظیم از جانب پش که رئیس آنها شخصی صلیب است و در بار پادشاهی خواهد
پذیرفته خواهد شد مستحقین شهریار و دو برای محمی پیش فکنت خواهند کرد و همراه
عسکریه که لایق آن باشد بعد خواهند آورد و هر خدای مستحقین پادشاهی محمی را مهربان که
برای او میباشد بشما خواهند برد و در آنجا قراول حترامی برای او خواهد بود
او وزیر الهی و عطای دربار سلطنت محمی را عبادت خواهند که پس فردایم
خاص اعلی حضرت پادشاهی خواهد رفت و کشتن آقایی نئی در ساعت مقرر آمده
او را اعلام خواهد کرد و برای پش او همه آماده است در منصورت محمی نینست
روانه شود در آن ای پش رود و همه محمی و پش او میروند و جمعی از قراولان و نوکران
سپاده پش او میروند در حالتی که محمی اسب مزین و اسب کاشی و سواره
شده و با اسب خاصه خود را سوار شده بشما و عبود اسب کاشی پش او را
برود و شخص خاص غارت و آماج ادا از جانب راست و کشتن آقایی نئی در جفا
جب آید و در حاشیای طران الهی را برود و بجای اسب و غصبت او دست

از قراولان همگی باز نوکران پادشاه و فرشتان پادشاهی دنباله رود و دستهای همگی باشند
که در میدان قصر واردوی پادشاهی کنند آتش شد بشد تا به عمارت نرسد پاره برای
همگی پیش نمیکینند و ایستاقی که پیش همگی خواهد بود اهتمام خواهد داشت
که همگی که در کمدار باشند سر بایستد همگی در در عمارت نرسد پاره پادشاه خواهد شد
و با دلق وزیر اول چادر سپه سالار رفته تا پیردن آمد پادشاه چند لحظه در اینجا آرام
خواهد گرفت در بقال همگی همراهان خود ایستاق فاسی باقی در پیش محوطه عمارت
سرار پاره داخل خواهد شد و اول نوکران پادشاه همگی در میدان پیردن خواهند ماند
بعد از آنکه ایستاق فاسی شای آمدن بجز را علیه حضرت پادشاهی عرض کرد و اورا از جانشین
به قول او طاق چادر تکلیف خواهد کرد و همگی همه اصحاب خود اینجا خواهند رفت
اما در هیچ حالت از همگی در هیچ یک از اصحاب او در خواست نخواهد شد هیچگونه
تعبیر بوضع دزدی خود که دارند به نهند مکن همگی در اتباع او اهتمام خواهند کرد که برای
خود یک زوج کفش تارک نهند که قبل از دزد شدن پیردن بایرند بعد از
نیز بکسرت شاه بجز را از جانشین تکلیف ننهندش شود و در امر او سنده صاحب

سکینه بعد از اقصاء مثنوی مجلس انجمنی همان ترنجه آمد بود و اجبت سکینه کنیز بن
ایکه نادعاق وزیر اعظم پسر در سپه لار و خارشود بعد از این سلام اول انجمنی باز
اشخاصی که آمد بودند میزدند در سوم ترنجات برای پذیرش و کید رسد کیدار
همان خواهد بود مگر ایکه صاحب منصبان در استقبال او میفرستند در مرتبه است ترنجه
در صاحبان آن در عهد کسرو همه مستحقین را بی ایشان پرورن خواهند آمد و همان
که در قر اول میشد برای ایشان پیش فلک خواهند کرد و وزیر اعظم علیحضرت
پادشاهی اولابیدن ایشان خواهند رفت آما بدین تکلف مکرور بعد باز دید
ایشان خواهند رفت اگر انجمنی و کید کار گذار از خاست و نعمت خود حاصل
باشد علیحضرت پادشاه از دست ایشان خود خواهد گرفت همان ترنجات
مبتوسط دولت رسد در حق انجمنی و کل کار که از ان ایران که با موریات
که بر بار بطور عمومی اند مرعی و موقوف میوند لیکن علیحضرت خست فاست رسومات معموله
در دولت است این ند کرده که شهر رود نخه است و دستخط و مهر و کلام محارفات
دارد و همان قدر مهمت دارد که کویا لفظ مبطع بعد نامه عمده امر دزد سند است

کحرار و در قریه بر کمان های بارنج دهم خوزان ۱۲۲۱ هجریه عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم
۱۲۲۲ هجری بمحطه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و با بمضای وزیر دول صاحب
عالمجا و سررا احواس خاں سپه

بسم الله الرحمن الرحيم **مضار اول** نظر بمجید فضل چهارم عهد نامه عهد امروزی
اعلی حضرت الهی و ممالک ایران تعهد میکند از بارنج خستام عهد نامه مزبور در
دوماه همه حصه طاش را در احوال کفایت معقول دولت روسیه و سرحد آن بصحت
و در تبرک و حب فضل چهارم عهد نامه عهد معیش است و بعت فعال خصایر
قد از جنگ این عهد نامه عبادت به شما میرساند بمصرف عاقل ایران در آن
از قشون خود تخفیه کرده بماورین روسیه بهین همان مکانها فرستاده خواهند شد
تعمیم نماید تا زمان تقویض دولت به کوره بود کلار روسیه دولت ایران متوجه خواهد
شد چگونگی تعهد و ظمیر ما را اولایت و احوال ایشان معمول بنایح و حکام دولت
از هر گونه خلاف ضابطه و نظام درین مدت استخفاف از طرف دولت
مواخذه خواهند بود **مضی** نظر بمجید فضل ششم عهد نامه عهد امروزی

و بموجب آن علیحضرت پادشاه ممالک ایران بصرحت منعقد شد و با بصر
 امپراطور کل ممالک روسیه بوجسارت ده کرد و قان رایج و عبارت است
 میون نظم سفید روسیه و پارس و لیس علیستین معاینه مقرر گشت و سه کرد و قان
 از آن در مدت شش روز بجا چنانکه از خستام عهد نامه مذکوره انقضای میاید
 و کل سر مختار روسیه بانه کما شکان آنها داده شود و در کرد و سر بازده روزه در
 و صلوات پادشاه کرد و در غره نهر ابر پادشاه مسیحیه و عبارت است از ثبت و هم نهر
 رمضان ۱۲۴۲ هجری بصلای کرد و در کرد و بای هم و نتمه ده کرد و قان است و در
 ایران بروسیه منعقد بصلای گشت و در غره نهر نوای ۱۲۴۲ مسیحیه و عبارت است از ثبت و هم
 به ۱۲۴۰ **صلوات** به ثبت اینکه علیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
 جهت انقضای صحیح و کامل و در حد حنارت مذکوره انقی به انند پارس و لیس علیستین
 معاینه فراموش شده و تا انقضای گشت کرد و قان تا مرد و لایت آذربایجان
 در تصرف بواسطه عا کر و روسیه مانده اداره و نظام آن بلا تخصار برای منافع
 روسیه باشد و بنوعیکه حکومت مسقاری و احوال در بریز وضع شده و در اجرای تلف

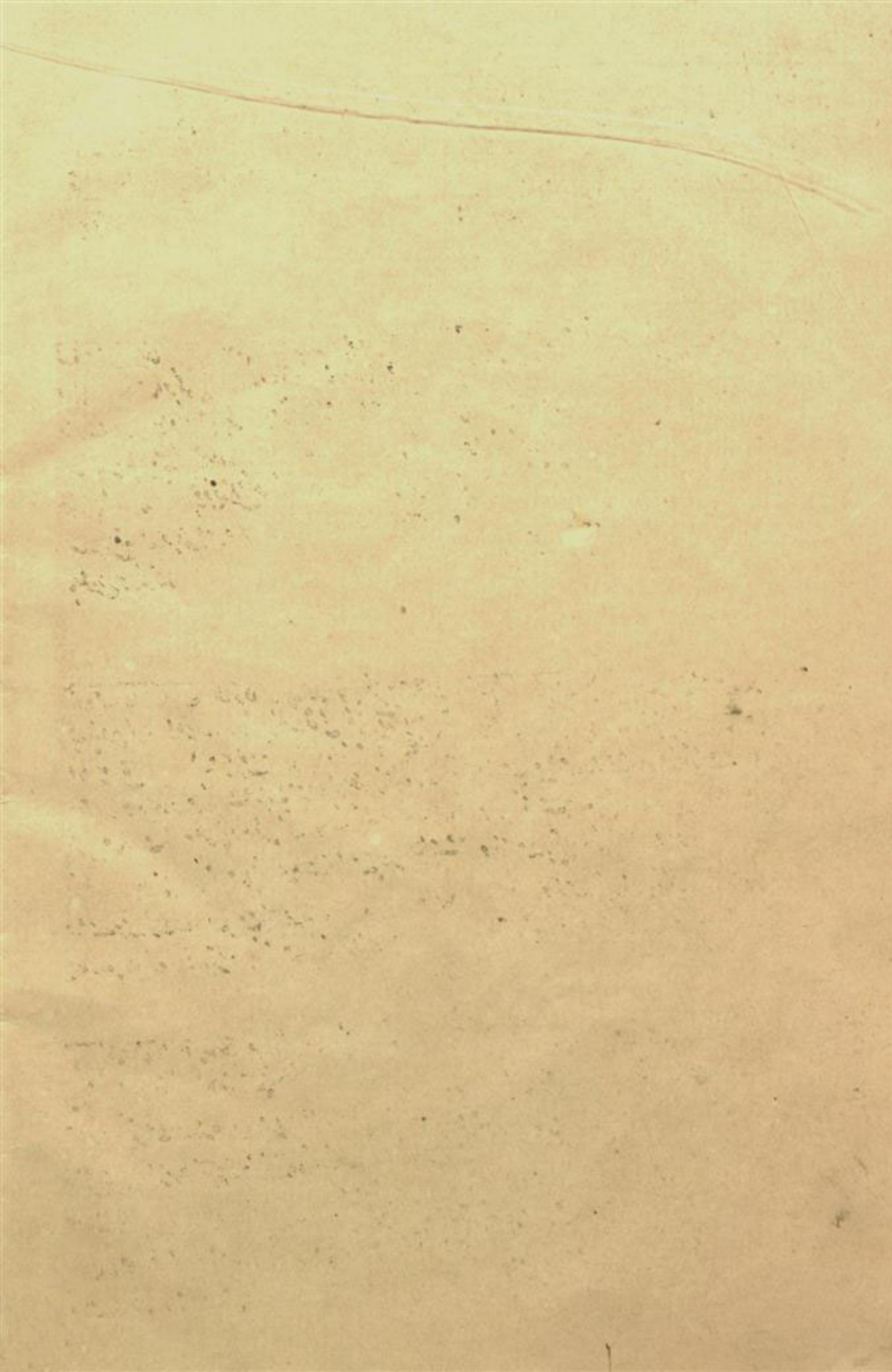
در خار خود بر عایت حسن ضابطه و آرایش درونی متعلق و مبسوط بر ساید مخصوصه
 جهت مذاکرات ضروریه کری در باید علی سید العاریه در ولایت مکره و مقیم باشد مربوط است
 باشد او باید اگر خدا کند به مبلغ مکره و فوق حد شد کرد در قنات روز نهم ماه آشت
 ۱۲۲۹ هجری قمری عبارت از نهم مهر صفر ۱۲۲۹ هجری قمری تقیم نمود معلوم بوده
 و خواهد بود در تمام ولایت از پانچان ایران تفصال دائمی خواهد یافت و ا
 بهر اطرک مملکت روسیه مطلقاً اتفاق خواهد داشت و او را این ضمیمه مملکت خود نزد
 یا در زیر حمایت بطلم و بالافراد خود نشانی فرود سر در شمال آنها باشد
 در آن تعیین کند و در باب سلب بنای در بر وفق این قرارداد انوقت به دولت روسیه
 و صدیق یافته با این ایضا معلوم است در همه بمطالعه و هر داد برای نفع او بکلیه اموال و در
 دولت ایران نزد دولت روسی لبره از نعمت است نفع به بری آنرا خواهد بود
 یک مقرر است در اینکه علم حضرت به شاه مملکت ایران و کردار این که کردی
 بعد از پنج کرد و توان وجه نرات مشروطه جایست داده شود تقیم کرده شود همه او را
 آنها را نه در مدت یکماه از خاک روسیه تخلیه خواهد و بهتیار ایران و اکثر از خواهد

اما قلعہ دولاب خوبی مانند من الصیال کردیم اگر در است که نوره ج باید بآب تمام در نبرد
شراغوت شسته مسحیه بر در قندار عا کر و سیه خواهد تا خبر الی لکر و سیه در آ
او خواهد بود در باب شکیب در دهمه یا جز آفر با چنان موافق آنکه علی حضرت الهی
حاکم ایران بدولت امیر اطرین و سیه در موعده معلومده است کرد
یا چنان صفت کرد در تال را داد باشد پیش از وقت دستور العمل را نموده در دست
سوانه داشت حکومت معارف بر در انوقت حسیار را دارد از خود سب کرده
و کما سر ایران را بر این کار از طرف علی حضرت پادشاه ممالک ایران بود
خواه بود فوراً حضرت آن خواهند پرداخت لیکن بدین یک ضابطه و این
خلق نموش بوشد و در شرایط و لغت الی در عهد نامه عهد مصاحبه ای که
و در این فصل زاید مقرر گشته است تفسیر حاصل نماید **فصل چهارم**
عکس کر و سیه و بنابر فصل سابق چند وقت آفر با چنان را در تصرف خواهند داشت
چون حسیار تمام و تمام در موافق صوابه فرمان فرمای عا کر و سیه در هر جای ممکن
اقامت نمایند و فرار از عا کر ایران و هنوز در بعضی اماکن آفر با چنان منتظرند

بلا فاصله بپردن روند و خود را بولایات دغله ایران بشنود **فصل پنجم** برای رفع امور
 موجب ختمال عنایطه و نظام عکریه میباید و حفظ آن با این عاقل در لیتن در دست
 تصرف بنده و قوه ولایات در در فضیلت بق قرارگاه شهابیات لایست
 مقر راجع در عمده است اما در سر لنگر روس در بجانب ایرانیاں مکررند
 باید در بواسطه اسرار این گرفته شده و انفور نیز دیگرین را در سر لنگر روس
 تقیم شود همچنین همه فراری لنگر ایران در بجانب روسیه مکررند و با فاصله گرفته شده
 نیز دیگرین حاکم ایران تقیم شود **فصل ششم** اما فاعلت بعد از مبادله تصدیق آنها
 از جانب بمائس را برابر تمثیل خط سر قه قرمز بواسطه فاضل چهارم عهد نامه عهد
 شرط شده نامزد خواهد شد و که کتب برابر ترتیب تصدیق از آن در یک نسخه
 بمائسین رسیده تصحیح فرمائید و اگر حیات و نسخه دیگر در حال مباحث است
 نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن این
 نقشه مبادله متوثق و در مقید دست او زدند خواهد بود این فصول
 چه اگانه برابر کند عهد نامه عهد امرد و تخفیف یافته شمرده نسخه است

هانی قدر قوه و اعتبار خواهد داشت که کوی لفظ موقوف در اینجا مندرج است و در هر
با و کلا منتهای عصر حضرت امپراطور کلا ملک زوسیه و عصر حضرت الهیه
ملک ایران آنها را و شرط گذاشته مهر کردم تحریر از قوه بر تکیان حاجی
بست رخ و هم نثر فوزال شسته^{۱۳۲} معجیه عبارت از پنجم نثر ثقیان المعظم
شسته^{۱۳۴} احرار کلا حظه و تصدیق در ابواب لیلته رسید و در مفضل و زریول خاص
حاجیه میرزا او کس خان رسیدم





امام رابع علیه السلام قول الحفوت در روز یکشنبه رخصت شد و در سال سی و
 پنجم در مدینه منوره در زمان خلافت جناب علی بن ابی طالب علیه السلام
 حضرت در شهادت جناب ۱۳ ساله بود و در واقعه کربلا
 بیست سال داشت بعد از آن حادثه سه چهارم روز زندگانی
 کرد و در روز شنبه محرم ۱۳ ساله بزرگوار گشت و در شب
 بخفت داده بود و بر پاشی داشت فرایند بیدار شد و در ملک
 گویند و در کورستان بقیع در پهلوی عسکری و در امام حسن ۱۳ مدفون
 است و اول الحفوت پانزده نو میگویند و در وقت ظهر است
 الحفوت پنجاه و هفت ساله و ایام امامت سه و چهارم در مدینه است

امام حسن مجتبی علیه السلام لقب الحفوت صادق تولد شد
 در روز شنبه هجدهم نهر سبع الاول ۳۳۰ واقعه شد و نام الحفوت
 در روز شنبه نهم نهر حب المرجب ۳۴۰ اتفاق افتاد و عمر اخی
 الحفوت هفت و نیم مدینه نقیض مقبره قبیع الحفوت در زمان
 پدر بزرگوار خود امام زین العابدین علیه السلام یازده ساله بود و در زمان
 وفات پدرش سی و یک ساله بزرگ منصوص بود در شصت الحفوت
 فرامید نقیض بکین الحفوت الهه خانی کشتی در زمان امام
 حسن اولاد ذکوار الحفوت هفت نفوس بوده اند امام حسن دوازده
 محمد و اسمعیل و جعفر و علی و جعفر و حسن و علی

[illegible]

